

محسن فائضی، کارشناس مسائل اسرائیل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# فشار جریان مقاومت صهیونیست‌ها را به‌سمت قبول یک توافق موقت سوق می‌دهد



**محسن فائضی، پژوهشگر مسائل فلسطین دیگر کارشناسی بود که برای بررسی استراتژی فعلی صهیونیست‌ها و سرنوشت آتش بس احتمالی غزه با او گفت‌وگو کردیم. او فن دادن رژیم صهیونیستی به یک آتش بس در غزه را ناشی از عدم تحقق اهداف این رژیم در جنگ می‌داند. مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.**

#### اهداف صهیونیست‌ها از جنگ محقق نشد

فائضی در توضیح اینکه صهیونیست‌ها تا چه حد توانسته‌اند در رسیدن به اهداف خود در غزه دست پیدا کنند گفت: «درباره آتش بس برای اولین بار توضیحاتی از توافقی در رسانه‌ها گفته می‌شود، یعنی مذاکرات برای توافق فعلا مطرح است. در همین دو، سه هفته گذشته هروقت بحث آتش بس مطرح شد، چه رسانه‌های رژیم صهیونیستی و چه مقامات رسمی آمریکایی، از موقت بودن آن صحبت کردند و این آتش بس برای صهیونیست‌ها آتش بس نهایی نخواهد بود. صهیونیست‌ها فعلا چه در بحث آزادی اسرا یا به‌قول خودشان گروگان‌ها و چه در موضوع نابودی حماس به اهداف خود نرسیده‌اند. آنها با این دو هدف و دو مساله وارد جنگ شدند و فعلا با تحقق آن خیلی فاصله دارند. لذا فعلا حرف از آتش بس موقت است. به‌رحال فشارهایی که در این ۴۵ روز علیه غزه رخ داده، چه درخصوص حمله زمینی، چه حجم کشتار و چه فشار اجتماعی خیلی جدی است، حتی عدم ورود سوخت این فشارها را بیشتر کرده است. صهیونیست‌ها می‌خواهند اینها را تبدیل به یک امتیاز سیاسی کنند، ولو امتیاز موقت که در مقابل آن حرف از آزادسازی اسرا باشد. درحال‌حاضر مساله آزادسازی اسرا مطرح است و حدود ۵۰ نفر از اسرا- که نصف‌شان خارجی هستند- قرار است آزاد شوند. فشار آمریکا به‌ویژه برای آزادی همه اسرای دوتابعیتی خیلی بیشتر شده است. از طرفی اسرائیلی‌ها الان اصلا به دنبال آتش بس نیستند؛ چراکه با هدف جنگ خیلی فاصله دارند و به‌نظرم فشار جریان مقاومت، تلفات در غزه، اقدامات لبنان و یمن و اقداماتی که عراق و سوریه انجام می‌دهد به اضافه فشار جهانی، باعث شده که رژیم صهیونیستی مجبور به پایان جنگ شود، لذا آتش بس محدودی می‌خواهد که تعدادی از اسرایش آزاد شوند که حداقل بخشی از اهدافش محقق شود تا بتواند هم افکار عمومی جهان را ترمیم و هم ادعا کند که تن به یک آتش بس داده و سوخت و اقلام وارد غزه شده است و دیگر اینکه با آزادسازی ولو تعداد کمی از ۲۵۰ نفر اسیر که خودش ادعا کرده، افکار عمومی داخلی خود را ترمیم کند. البته فعلا حماس حتی تعداد دقیق اسرا را اعلام نمی‌کند و می‌خواهد به‌عنوان اهرم فشار مذاکره به آن نگاه کند. اما چیزی که مطرح است این است که احتمالا ورود اقلام و سوخت در مقابل آزادسازی اسرای است که حماس دارد. فعلا حرف‌ها از آتش بس در این موضوعات هستند و طرح آتش بس کامل نبوده به این دلیل که صهیونیست‌ها به هیچ یک از اهداف‌شان در جنگ نرسیده‌اند.»

#### پلن نهایی صهیونیست‌ها تخلیه نوار غزه است

فائضی درباره هدف و رابگرد نهایی صهیونیست‌ها در حمله زمینی

## عادت می‌کنیم!

# خطر ابتلا به روزمرگی در میانه بحران

برای فرد جلوگیری کند. مصادیق این امر را می‌توان در حاشیه جنگ رژیم صهیونیستی و فلسطین جست‌وجو کرد. از زمان آغاز درگیری‌ها تا به امروز، رسانه‌های مختلف ظرفیت خود را به پوشش اخبار حادثه اختصاص داده‌اند؛ انتشار آمار روزانه و لحظه‌ای از تعداد کشته‌شدگان، بمباران مراکز غیر نظامی نظیر مدارس و بیمارستان‌ها و تخریب ساختمان‌های مسکونی بخش عمده‌ای از محتوای رسانه‌ها را به خود اختصاص داده است.

در میان تمامی اخبار پیرامون جنگ حاضر شاید کمتر حادثه‌ای مانند بمباران بیمارستان المعمدانی، مردم را متأثر از خود کرده باشد. حال آنکه پس از آن انفجار نیز فجایع دیگری حداقل در همان سطح توسط رژیم صهیونیستی رقم خورد اما هیچ‌کدام به اندازه اولین حادثه واکنش برانگیز نبود. علت را می‌بایست در تطبیق‌پذیری ذهن انسان با حوادث جست‌وجو کرد. ذهن مخاطبان با گزاره تعداد تلفات بالا سازگار شده و دیگر این دست از اخبار برای او واکنش برانگیز نخواهند بود. در چنین شرایطی آنچه ضرورت دارد روایت هنرمندانه از حادثه است. بحران انسانی در غزه داستان زندگی هزاران نفر از مردمی است که جزء به جزء آن دارای اهمیت بوده و پرداخت هنرمندانه به آن می‌تواند مخاطبان رسانه در سراسر دنیا را با خود

این حجم تبلیغات برای این بیمارستان داشتند را نمی‌دانم. اما در فضای عربی به‌شدت مورد تمسخر واقع شدند و در سه روز رسانه‌های داخلی رژیم صهیونیستی، انتقادات شدیدی مطرح کردند و رسوایی تمام عیاری برای این رژیم اتفاق افتاد.»

#### آتش بس موقتی است اما مختصر نخواهد بود

فائضی در ادامه به این نکته اشاره کرد که حماس نیز از آتش بس موقت در غزه استقبال می‌کند: «اولین چیزی که در رسانه‌های اسرائیلی، آمریکایی و یا عربی مطرح می‌شود، حرف از آتش بس موقت بشردوستانه است. حماس هم از این استقبال می‌کند. به چند دلیل؛ اول اینکه فشار اجتماعی را کم کند. مخصوصا با ورود سوخت و کالای اتفاق محقق می‌شود. الان ما در بخش‌های مختلف و مخصوصا پزشکی با یک فاجعه عجیب مواجه هستیم. چرا رژیم صهیونیستی اینقدر روی بیمارستان‌ها حساس است؟ برای این است که این را به عنوان پذیرش شروط در آتش بس نهایی بداندن و حماس دیگر چیزی برای از دست دادن نداشته باشد. از نظر اجتماعی الان واقعا بیمارستان بنا این حجم از مجروحان و کشته‌شدگان مورد توجه قرار دارد. نکته دیگر این است که حماس هم دوست دارد از این اسیران دوتابعیتی، رهایی پیدا کند، حتی اسرای غیرنظامی هم برای حماس خیلی مساله‌ای نیستند و احتمالا آنها را آزاد خواهد کرد. اصل مساله تبادل اسرای نظامی است که آن موقع حماس می‌تواند امتیاز بگیرد. در این مرحله حماس به دنبال کم کردن فشار است و رژیم صهیونیستی هم به دنبال آزادی اسراست که حداقل دستاوردی داشته باشد. اینکه چرا تا الان رژیم صهیونیستی تن به آتش بس نداده است و الان راضی شده، به دلیل بیشتر شدن فشارها است. مثلا هفته گذشته گفته می‌شد که چهار ساعت در روز، آتش بس برقرار شود. بعد گفتند سه روز و حالا این تبدیل به پنج روز شده است. این یعنی حماس در حال فشار آوردن است. هر چند قرار است آتش بس موقتی باشد، نباید مختصر باشد. باید به نحوی باشد که حماس واقعا دستاوردی داشته باشد.»

فائضی در ادامه این نکته را مورد تأکید قرار داد که اسرائیلی‌ها فعلا نمی‌توانند آتش بس رانهایی کنند: «الان اسرائیلی‌ها واقعا در موقعیتی نیستند که آتش بس را نهایی کنند، چون هم دستاورد به دست نیاورده‌اند و هم اینکه فشار روی آنها زیاد است. الان فشارهای افکار عمومی آنقدر اهمیت دارد که می‌خواهند جنگ را تمام کنند. لذا اگر این دو مولفه تغییر کند، ما به سمت پایان جنگ می‌رویم. البته شما می‌دانید اقدامات محور مقاومت در لبنان روز به روز بیشتر می‌شود. دیدیم حجم حملات بیشتر شده است، توقیف کشتی توسط یمن و اتهامات به‌نظرم پلن‌هایی است که محور مقاومت اجرا می‌کند تا اسرائیل را به سمتی ببرد که به آتش بس دائمی برسد. گذر زمان از این باب، به‌نظر من به نفع ما نیست. رژیم صهیونیستی به دنبال اجرای پلنی است تا ضربه به حماس وارد کند و بعد از آن به سراغ نابودی حماس برود. درنهایت هم واگذاری تشکیلات به گزینه‌ای دیگر است. لذا اگر جنگ تمام شود، ما بیشترین دستاورد را نسبت به چیزی که اسرائیلی‌ها دنبال آن هستند، داریم. بنابراین پایان جنگ فعلا به نفع ماست.»

# همان رسالتی که حرفش بود



هومن جعفری خبرنگار

۱. بعضی آدم‌ها کار خودشان را می‌کنند. قائلند به رسالتی که برای خودشان تعریف کرده‌اند و این رسالت را همه‌جا همراه خود دارند؛ در هر شغلی، در هر جایگاهی و در هر لباسی. این رسالت می‌تواند شر باشد یا خیر. شاید بین شما کسی باشد که بگوید «میل شر» و «امر شر» را نباید رسالت تعریف کرد. من نظری ندارم. می‌دانم آدم‌هایی هستند که هر جا باشند، در هر لباسی باشند و به هر وضعی باشند جز شر از دست‌شان نمی‌چکد. با آنها در این مطلب کار ندارم. این مطلب برای آنهاست که رسالت‌شان خیر است و خیر رساندن. هر کسی از راهش، یکی آموزش می‌دهد، یکی فرهنگ‌سازی می‌کند، یکی دستی‌رامی‌گیرد و همه اینها، آدم‌هایی هستند که این مطلب و این ستایش را به آنها باید تقدیم کرد. آنکه مد نظر ماست و بهانه نوشتن این مطلب، داریوش فرضیایی است یا همان عمویوزنگی که میلیون‌ها کودک در ایران با تماشای برنامه‌های او قد کشیده‌اند، شادی را با او تجربه کرده‌اند، ابراز وجود و ابراز احساسات را با او مزه کرده‌اند و در یک کلام بخشی از آداب و سنن و رفتارهای پسندیده و ارزش‌های اجتماعی را با او فهمیده‌اند. از ۱۳۷۶ که نخستین تجربه حضور او در تلویزیون بود تا امروز، هزاران ساعت برنامه زنده یا ضبط‌شده از او در تلویزیون، پلتفرم‌ها و فضای مجازی منتشر شده و بسیاری از کودکان اوقات فراغت خود را پای برنامه او گذرانده‌اند. او و عمو فیتیله‌ای‌ها، حق و سهم بزرگی بر گردن کودکان ایران در دو سه دهه اخیر دارند مثل مجید قناد و دیگر همکارانش و دیگر عزیزانی که پیش از اینها وقت، استعداد و هنر خود را برای سرگرم کردن کودکان و نوجوانان صرف کردند. داریوش فرضیایی کم‌حاشیه و محترم بود و ماند و مسلما خواهد ماند. در تمام این سال‌ها کوشید تا از هر گونه ورود به حواشی خودداری کند. از سیاست دور ماند

که در صداوسیمای ایران نکته عجیبی است. او هرگونه حاشیه‌سیاسی یا اخلاقی فاصله گرفت و همواره دوست خوب کودکان سرزمین باقی ماند. داریوش فرضیایی چه در سال‌هایی که نامبروان تلویزیون بود و برنامه زنده روزانه داشت، چه در روزهایی که برنامه زنده‌اش را لغو کردند تا برنامه ضبط‌شده‌اش به نمایش گذاشته شود و چه در روزهایی که دیگر در تلویزیون برای او جایی باقی نماند، مثنی اخلاقی خود را تغییر نداد. او آدم رفتن به برنامه‌های عجیب‌وغریب با پشت‌پرده‌های عجیب‌وغریب نبود. هر جا رفت، در هر رسانه‌ای که به دستش رسید کار کودک کرد و کارش را نه اقتصادی که فرهنگی بود. او کوشید تا نمونه خوبی باشد از آنچه باید به کودکان این سرزمین آموزش داد. شادی، موسیقی، خنده، حال خوب و اخلاق. تلاش کرد تا به کودکان این هنر زندگی را بیاموزد و این دقیقا همان رسالتی است که رسانه‌های جمعی دارند. هیچ‌وقت برای خودش شانی از این لحاظ قائل نشد که ملان من برای خودم کسی شده‌ام و دیگر نیاید «اردک تک‌تک، تک‌تک اردک» بخوانم. او با وجود آنکه دیگر جوان ۲۰ سال قبل نیست و حالا ۵۰ساله دارد، هنوز هم آماده است تا اگر کودکی دید برایش شعری بخواند و او را بخنداند. همین چند روز پیش بود که جایی ویدئوی ضبط‌شده‌ای دیدم از او که روی سننی ایستاده و مادران و پدران و کودکان در کنار هم دارند با او همان شعر کودکانه‌اش را همخوانی می‌کنند. نمای کاملی از خانواده‌ای که همه اعضای آن مشتریان پروپاقرص بساط عمویوزنگ بوده و هستند. ۲. این روزها و دیگر در تلویزیون ایران جایی ندارد. به دلایلی که در حوصله این بحث و در حوصله من و شما و احتمالا در حوصله عمو یوزنگ نازنین هم نمی‌گنجد، این مرد این روزها دانشگاه تربیت کودک خود را از ساختمان جام‌جم به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی منتقل کرده و همچنان مشغول همان رسالتی است که صحبتش شد. آموزش دادن. او این روزها به کودکان از قالب اینستاگرام می‌آموزد که فرزند باید در خدمت والدینش باشد. تلاش او برای نگهداری از مادرش فرصتی است برای آموزش بدیهی‌ترین نکات اخلاقی به نسلی که احتمالا بیشترین شکاف تاریخی و نسلی با والدین را تجربه می‌کند. اینکه باید از مادرت مراقبت کنی، هویزش را داشته باشی و با او همیشه درست صحبت کنی. این روزها در مواجهه با زندگی کاملا متفاوت روزمره با زمان کودکی‌هایمان و در مواجهه با بی‌بهرترین نسل تاریخ، هنوز عمویوزنگ‌ها سنگر آموزش دادن، امید بستن و جنگیدن برای تربیت نسل‌های بعدی را رها نکرده‌اند. آن رسالت شخصی‌که صحبتش بود اینجا خود را نمایان می‌کند. عمو یوزنگ می‌تواند بساط برنامه شخصی و برند خودش را برادرز و هر جای این کره خاکی که دلش خواست پهن کند. او می‌تواند در هر جایی از این دنیا و در هر پلتفرمی که دلش خواست برنامه‌اش را اجرا کند و درآمدی رویایی و نجومی را به دست بیاورد. با این همه او انتخاب کرده که داخل مرزهای کشورش و از طریق شبکه‌های اجتماعی با کودکان سرزمینش ارتباط بگیرد و به آنها لایخند، حال خوش و از همه مهم‌تر اخلاق را هدیه بکند. اینکه او می‌تواند این‌گونه از برند خودش برای انتشار دادن محتوایی فرهنگ‌ساز استفاده کند اهمیتی ورای حد تصور ما دارد. اینکه او می‌تواند با یک حساب کاربری ساده در فضای مجازی بازیدی بیش از برنامه‌های روزمره کودک و نوجوان تلویزیون داشته باشد حاصل اعتمادی است که از مخاطبان خود کسب کرده. اعتمادی که حاصل سه دهه خاطره و فرهنگ‌سازی برای چندین نسل بی‌درپی است. نمی‌توان و نباید ارزش و اهمیت کار بزرگی که می‌کند را نادیده گرفت. باید دیگران را هم تشویق کرد که همین سلوک را در پیش بگیرند.

۳. یک ماه پیش بود که می‌خواستم مطلبی بنویسم پیرامون ویدئویی وایرال‌شده در فضای مجازی از معلمی که باشاگردان کلاس اول سرکله می‌زند. ویدئو بازه بود و دیدنی. انرژی مهارت‌شدنی و ارزشمند حیات در کالبد دانش‌آموزان خردسال دیده می‌شد و معلم جوان می‌کوشید تا شاگردانش را هدایت کند. می‌خواستم چیزی بنویسم و نشد. چیزی در باب انرژی خالص آن شاگردان شیطان و بازیگوش که اگر بتوانند همین سرزندگی امروز خود را در ادامه زندگی همراه داشته باشند، هرگز نسلی خموده و سرگشته در تقابل با تندبادهای مرسوم زندگی نخواهند بود. ما ایران را دوست داریم و باید ایران را به نسل بعد تحویل بدهیم. نسلی که اگرچه در خانه نگرانی‌های پدر و مادر در مواجهه با مشکلات زندگی‌رامی‌بینند اما در عوض عشق، محبت و احترام‌رام‌ها از آنها و هم از معلمان خود دریافت می‌کند. چه از آموزگاران‌ی که عاشقانه در مدارس تدریس می‌کنند و چه از امثال داریوش فرضیایی‌ها! از آنهایی که هرجا باشند، هرچه باشند، هرکه باشند و در هر وضعیتی که باشند یادشان نمی‌رود که رسالتی بر دوش دارند. رسالت آنها آموزش دادن به کودکان و نوجوانان است و دست‌وپنجه و دل‌شان را در این راه قوی می‌خواهیم. خدا قوت…

## فرهیختگان

# روز



سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲



شماره ۴۰۱۳



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

ادامه از صفحه ۲